



ازدواج موقت حکمتها و ضرورتها

سید حجت موسوی

شرعی و آثار اجتماعی ازدواج موقت سخن خواهیم گفت و سپس درباره ضرورت‌های روان‌شناختی و اجتماعی آن بحث می‌کنیم.

ازدواج موقت چیست؟^۱

ازدواج موقت که به متعه و صیغه نیز شهرت دارد، از قوانین درخشان و کارساز اسلام است که شیعیان آن را باقی نگه داشته‌اند و در مواقع ضروری به کار می‌بندند. این نوع ازدواج در برابر عقد دائم قرار می‌گیرد و نقاط

در این نوشتار، به دو مسئله مهم درباره ازدواج موقت می‌پردازیم: نخست چیستی و ماهیت این نوع پیوند زناشویی را بررسی می‌کنیم و سپس ضرورت‌های آن را یادآور می‌شویم.

چیستی و چرایی عقد متعه یا همان ازدواج موقت را از چند منظر می‌توان بررسی کرد؛ از چشم‌اندازهای جامعه‌شناختی گرفته تا نگاه شریعتمدارانه. اما در این مختصر، کوشیده‌ایم بیشتر از زوایای شرعی و اجتماعی به این مسئله بنگریم. به هر روی، در بخش نخست درباره ماهیت

۱. گفتار اول این نوشتار بر اساس نظریات شهید مطهری در کتاب نظام حقوق زن در اسلام، چاپ جامعه مدرسین، تحریر شده است.

مشترکی نیز با آن دارد. اشتراکات و اختلافات آن دو به شرح زیر است:

الف. تمایزها

۱. اولین اختلاف عقد موقت با عقد دائم، در زمانبندی آنهاست. در عقد موقت، زن و مرد برای مدت معینی بر یکدیگر حلال می‌شوند و پس از سررسیدن زمان مذکور در عقد، خودبه‌خود پیوند زناشویی آنان قطع می‌شود، مگر آنکه به تمدید آن اقدام کنند.

۲. در عقد موقت، مسئولیتهای کمتری نسبت به یکدیگر دارند و بالطبع هر دو از آزادیهای بیشتری برخوردارند. در ازدواج دائم مرد در مقابل خوراک، پوشاک، رفاه، درمان، مسکن، مخارج روزانه و... تعهد دارد؛ اما در عقد کوتاه یا موقت، مرد جز آن مقدار که پیمان بسته و عقد را به آن مشروط کرده‌اند، وظیفه‌ای ندارد.

۳. تمکین و اطاعت زن در مقابل مرد در عقد موقت، محدود به مقداری است که قرارداد بسته‌اند؛ اما در ازدواج دائم، زن موظف به پیروی از همسر خود در حدود مصالح خانوادگی

است.

۴. در ازدواج دائم زن و مرد به‌طور طبیعی از یکدیگر ارث می‌برند؛ اما در زناشویی کوتاه‌مدت این‌گونه نیست.

۵. همسرانی که براساس عقد دائم با هم زندگی می‌کنند، در جلوگیری از بچه‌دار شدن نیاز به اجازه یکدیگر دارند؛ اما در عقد موقت جلب رضایت طرف مقابل ضرورت ندارد، مگر آنکه در ضمن عقد شرط کرده باشند.

«پس تفاوت اصلی و جوهری ازدواج موقت با ازدواج دائم در این است که ازدواج موقت از لحاظ قیود آزاد است؛ یعنی وابسته به اراده و قرارداد طرفین است. حتی موقت بودن آن نیز در حقیقت نوعی آزادی به طرفین می‌بخشد و زمان را در اختیار آنها قرار می‌دهد.»^۱

ب. تشابهات

دوام و توقیت زمان عقد، تأثیری بر برخی مسئولیتهای زن و مرد نسبت به یکدیگر ندارد. همچنان‌که

۱. همان، ص ۴۰.

همسرش باشد، خواه موقت.
 ۵. زنا با زنی که همسر دائمی یا منقطع دارد، او را بر زانی حرام ابدی می‌کند.

۶. عده بر زنی که همسر خود را - بر اثر فوت یا طلاق یا تمام شدن مدت عقد - از دست داده، واجب است؛ اما عده زن دائم، سه نوبت عادت ماهانه است و عده همسر موقت، دو نوبت یا چهل و پنج روز. تفصیل آن در بخش احکام آمده است.

۷. ازدواج همزمان با دو خواهر جایز نیست؛ نه در دائم و نه در موقت.

سخن استاد مطهری

استاد شهید مرتضی مطهری رحمته الله علیه در کتاب «نظام حقوق زن در اسلام» پس از بیان پاره‌ای از احکام فقهی عقد دائم و موقت، نظر صریح خود را درباره این نوع پیوند زناشویی، چنین اعلام می‌کند:

«این است آن چیزی که به نام ازدواج موقت یا نکاح منقطع در فقه شیعه آمده و قانون مدنی ما نیز عین آن را بیان کرده است.

بدیهی است که ما طرفدار این

زمانمندی عقد، آزادی‌هایی را به طرفین می‌بخشد، مسئولیتهایی را نیز پدید می‌آورد که هیچ‌یک نمی‌توانند از زیر بار آن شانه خالی کنند. در زیر پاره‌ای از تعهدات زن و مرد که در هر دو نوع عقد (دائم و منقطع) یکسان است، اشاره می‌کنیم:

۱. فرزندگی که از ازدواج موقت متولد می‌شود، هیچ‌گونه تفاوتی با فرزند عقد دائم ندارد؛ هم به لحاظ مشروعیت و هم به جهت حقوق و... .

۲. پرداخت مهر به زن در هر دو نوع ازدواج، واجب است؛ اگر چه ذکر و تعیین مقدار آن، در عقد دائم ضروری نیست. اگر مهر در عقد منقطع ذکر و تعیین نگردد، موجب بطلان آن می‌شود؛ اما عدم ذکر و تعیین مهر، عقد دائم را باطل نمی‌کند، بلکه مهر المثل جای آن می‌نشیند.

۳. در ازدواج موقت مادر و دختر زوجه بر زوج و پدر و پسر زوج حرام می‌گردد. این حکم عیناً در عقد دائم نیز وجود دارد.

۴. خواستگاری از زنی که همسر دارد، حرام است؛ خواه در عقد دائم

قانون با این خصوصیات هستیم؛ اما اینکه مردم ما به نام این قانون سوءاستفاده‌هایی کرده و می‌کنند، ربطی به قانون ندارد. لغو این قانون، جلو آن سوءاستفاده‌ها را نمی‌گیرد، بلکه شکل آن را عوض می‌کند؛ به علاوه صدها مفاسد دیگری که از لغو قانون برمی‌خیزد.

ما نباید آنجا که انسانها را باید اصلاح و آگاه کنیم، به دلیل عدم عرضه و لیاقت در اصلاح انسانها مرتباً به جان مواد قانونی بیفتیم، انسانها را تبرئه کنیم و قوانین را مسئول بدانیم.^۱ وی سپس درباره علل شرعی و فواید اجتماعی متعه سخن می‌گوید که ما در بخش دوم این نوشتار از منظری دیگر بدان خواهیم پرداخت؛ ولی یکی از نکات بدیع و شنیدنی استاد در این زمینه، نقل نمونه‌هایی از توصیه‌های دانشمندان غربی به ازدواجهای کوتاه‌مدت است. سپس می‌افزاید از آنجا که این قانون (ازدواج موقت) یک میراث شرقی است، آماج تیرهای خشم و نقد قرار گرفته است؛ اما اگر یک تحفه غربی محسوب می‌شد،

امروز همایشها و سمینارهای بسیاری در کشف کرامات و درک فضائل آن برگزار می‌کردند. اما اندک‌اندک مغرب‌زمینان نیز به سودمندی این نوع پیوند آگاه شده، کسانی همچون برتراند راسل علناً از آن سخن گفته‌اند.^۲

ازدواج موقت و ضرورت

ساماندهی جنسی در جامعه

میان انسان و دیگر جانداران، تفاوت‌های بسیاری است. خرد، ایمان، نطق و زندگی اجتماعی، برخی از سرمایه‌های اختصاصی انسان است که او را با هر جاندار دیگری متفاوت می‌کند؛ اما در میان صفات و خصال آدمی، ویژگی‌های دیگری را نیز می‌توان یافت که در غیر او دیده و شناخته نشده است. یکی از این مختصات و صفات ویژه، دوام میل جنسی در اکثر روزها و ماهها و سالهای زندگی اوست. اکثر موجودات زنده، در غیر ایام جفت‌گیری از خود تمایلی به جنس مخالف نشان نمی‌دهند. جانوران، جز

۱. همان، ص ۴۱.

۲. همان، ص ۴۷.

قانونمند، در شمار راههای مقبول و سالم قرار می‌گیرند؛ اما هر گونه زناشویی که تحت هیچ‌گونه قانون و ضابطه‌ای قرار نگیرد، آسیبهای جدی بر فرد و جامعه وارد می‌سازد. این آسیبها به گسترش فحشا و منازعات خانوادگی و بیماریهای جسمی محدود نمی‌شود؛ زیرا محرومیت‌های جنسی و ارضای ناهنجار غرایز طبیعی، بیماریهای جسمی و روحی بسیاری می‌آفریند که ربط برخی از آنها به مسائل جنسی هنوز ناشناخته است. بزهکاری، بروز انواع بحرانهای اجتماعی، استرسهای مزمن، افراط و تفریط در امور عادی زندگی، حساسیتهای بی‌جا، خستگی، افسردگی، زودرنجی، عصبیتهای آزاردهنده، نامهربانی با اطرافیان و... شماری اندک از آثار و پیامدهای اختلالات جنسی است.

بدین روست که باید به ساماندهی جنسی در جامعه خود بیش از پیش بیندیشیم و از میزان آسیبهایی که از این رهگذر گریبان اخلاقیات اجتماعی را می‌گیرد، بکاهیم. نیاز انسانها به

برای تولید مثل و تداوم نسل که آن نیز به حکم غریزه است، کنار هم نمی‌آیند و از همسری با یکدیگر لذت نمی‌برند؛ اما میل جنسی در آدمی، از ماههای بلوغ آغاز می‌شود و تا آخرین سالهای عمر او ادامه می‌یابد.

نیز باید توجه داشت که اسلام گرامی هرگز پاسخگویی به نیازهای جنسی را منکر نشمرد، بلکه همواره به اجابت صحیح و آبرومندانه آن توصیه فرموده است. هیچ دین و مرامی را نمی‌توان یافت که به اندازه آیین حیات‌بخش اسلام، بر نیازهای طبیعی بشر صحنه گذاشته و برای آنها برنامه‌های عملی داشته باشد.

انسان سالم و بالغ، همواره با تمایلات طبیعی و غرایز جنسی خود درگیر است و تا به آنها پاسخ نگوید، آرامش نمی‌یابد. راههایی که انسانها برای پاسخ به این نیاز مستمر و بی‌وقفه خود یافته‌اند، دو نوع است:

۱. راههای مقبول و سالم؛
 ۲. کژراهه‌های ناهنجار و آسیب‌زا.
- انواع ازدواجهای شرعی و

در این زمینه، جوامع بشری بیش از پند و نصیحت، نیاز به ارائه راهکارهای عملی دارند تا بتوانند طبیعی‌ترین غرایز جسمانی خود را پاسخ گویند و در زیر فشارهای روحی قرار نگیرند. اکنون در همه کشورهای که برخوردار از مدیریتهای علمی و توانمندند، طرح جامعی تحت عنوان «ساماندهی جنسی» در حال اجرا می‌باشد. این طرحها بالطبع با عقاید و مقبولات آنان هماهنگ است و نمی‌توان در کشورها و جوامع مختلف از یک طرح جامع پیروی کرد. آنچه پیداست، اهتمام و کوشش خستگی‌ناپذیر مدیران و حاکمان کشورهای گوناگون برای حل این مسئله است و تقریباً هیچ‌یک از آنها به منع و نهی اکتفا نکرده‌اند؛ بلکه کوشیده‌اند از طرحها و برنامه‌های ایجابی - نه سلبی - سود جویند.

این در حالی است که معمولاً در کشورهای غیر اسلامی، حساسیت و سختگیریهای کمتری در مسائل

زناشویی، از نوع نیازهای آنان به تفریح یا از نوع احتیاجات فصلی و دوره‌ای نیست؛ بلکه همچون خوردن و آشامیدن، همواره وجود دارد و نادیده گرفتن آن نیز دردی را دوا نمی‌کند.

خداوند در سوره بقره می‌فرماید که ما زناشویی را در شبهای روزه بر شما حلال کردیم؛ زیرا به حتم اگر چنین نمی‌کردیم، شما خیانت کرده، حکم الهی را زیر پا می‌گذاشتید:

«أَجَلٌ لَّكُمْ لَيْلَةَ الصَّيَامِ الرَّقَّةِ إِلَىٰ نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَلَوْنَ أَنْفُسَكُمْ»^۱

«آمیزش جنسی با زنانتان در شبهای روزه بر شما حلال شد آنها لباس شما هستند و شما لباس آنها؛ خداوند می‌دانست که شما به خود خیانت می‌کردید.»

در باره شأن نزول این آیه گفته‌اند: ابتدا همبستری همسران در شبهای ماه رمضان، فقط تا پیش از وقت نماز عشاء جایز بود؛ اما تخلفات به قدری بود که این حکم تغییر کرد و خداوند همه ساعات شب را تا پیش از اذان صبح، برای این کار، مجاز اعلام کرد.^۲

۱. بقره/۱۸۷.

۲. ر.ک: تفاسیر، ذیل آیه ۱۸۷، سوره بقره.

با رسول خدا ﷺ به جنگ می‌رفتیم. رسول خدا ﷺ عمل متعه را بر ما حلال کرد و تا زنده بود حرامش نکرد.»

و علیؑ بارها می‌فرمود: «اگر پسر خطاب، قبل از من خلافت را به دست نمی‌گرفت احدی جز شقی مرتکب زنانمی‌شد.»^۱

اشکار است که نمی‌توان ازدواج دائم را دواى همه دردها و تنها درمان فراگیر دانست؛ زیرا:

۱. اگر چنین بود نباید اکنون شاهد بزهکاریهای جنسی در سطحی گسترده باشیم. پدیده زشت و نامبارک زنان خیابانی، حکایت از آن دارد که ازدواج دائم برای همگان میسور نیست و برخی از زنان و مردان، نیازهای فوری‌تر و موقتی دارند که اگر اجابت نشود، کشوری را با خود غرق خواهند کرد.

۲. زناشویی، فقط به منظور تولید مثل نیست و آدمیان نیازهای متفاوت دیگری نیز به ازدواج دارند. زناشویی

جنسی وجود دارد؛ زیرا در محیطهای لائیک و سکولار، آمیزش ممنوع، مصادیق بسیار اندکی دارد. با وجود این، آنان کوشیده‌اند هنجارها و فرهنگ خود را در این عرصه نیز حاکم کنند و آمیزشهای نامتعارف را به حداقل برسانند.

اما در محیطهای دینی و اسلامی، به رغم حساسیتهای ویژه‌ای که در این باره وجود دارد، هنوز طرح جامع و کارسازی ارائه و عملی نشده است! چرا؟ شاید از آن رو که هنوز در مسیر فرهنگ‌سازی مناسب و قدرتمند حرکت نکرده، همچنان به نهی و نهیهای اخلاقی بسنده می‌کنیم. در جامعه‌ای که بستر حرام گسترده است و راهکارهای مقبول و حلال در محاق فراموشی قرار گرفته‌اند، طبیعی است که نابه‌هنجارها بیداد کنند و فواره آمارهای منفی همواره رو به بالا باشد. صاحب تفسیر عیاشی، از طریق محمد بن مسلم، از امام باقرؑ روایت می‌کند که آن حضرت فرمود: «روزی جابر بن عبد الله از سیره رسول خدا ﷺ سخن می‌گفت؛ از جمله نقل کرد: من و یارانم

۱. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۳۳، ح ۸۵

رسمی و دائمی، در صورتی رخ می‌دهد که زن و مرد علاوه بر ارضای جنسی، به امور دیگری مانند زندگی خانوادگی و ارتقای سطح روابط خود با جامعه نیز بیندیشند. اما گاه فقط اطفای آتش شهوت، آنان را به سمت جنس مخالف می‌کشد و به دلائل گوناگون راضی به تشکیل خانواده یا اموری مانند آن نیستند. آری، می‌توان این گروه از مردان و زنان را سرزنش کرد و آنان را به دلیل خودداری از تشکیل خانواده، انسانهای ناقص و ضعیف النفس شمرد؛ اما نمی‌توان وجودشان را انکار کرد و حتی از شمارشان کاست.

جامعه سالم اگر چه باید به وضعیت مطلوب و آرمانی خود بیندیشد، اما نباید از مدیریت بحرانهای موجود و مقدمه‌سازی برای دوران گذار غافل بماند. آنچه مسلم است وجود پدیده فحشا و روابط ناسالم در اجتماع است. انکار و نادیده گرفتن این پدیده هیچ کمکی به حل آن نمی‌کند، بلکه بر وخامت آن خواهد افزود و مرزهای آن را گسترش

می‌دهد.

۳. بنابر آمار رسمی، سن ازدواج در ایران افزایش یافته و در پسران از مرز ۳۰ سال گذشته است. آمارهای دیگری نیز وجود دارد که توجه به آنها چراغهای خطر را در سرتاسر کشور روشن می‌کند. اعداد و ارقام زیر، پرده از برخی واقعتهای جامعه شهری ایران برمی‌دارد و نشان می‌دهد که در زیر پوست شهر چه می‌گذرد:^۱

● ۲۵ میلیون نفر از جمعیت کشور، جوانان بالای ۱۵ سال هستند و مادر هیچ دوره‌ای با این کمیت برای برنامه‌ریزی مواجه نبودیم. (روزنامه جام‌جم، ش ۷۰۰، ۱۸/۷/۸۱، ص ۱).

● فاصله سن بلوغ تا تأهل و شاغل شدن جوانان از ۵ سال به ۱۵ سال افزایش یافته است. (همان)

● عدم توازن نسبتهای جنسی افراد ازدواج نکرده در دهه ۶۵ تا ۷۵ به رشد فزاینده زنان ازدواج نکرده انجامیده است. (افق حوزه، ش ۱۸،

۱. آمارها برگرفته از کتاب آمارها پرده برمی‌دارند، نوشته اصغر جدایی، چاپ نور السجاد، ص ۱۱۰ به بعد، است.

ص ۶.)

تعداد دختران بالای ۲۹ سال را نیز اضافه کنیم، شاید به رقمی بالغ بر ۷ میلیون نفر دست یابیم! (ماهنامه سراج، سال ۸۲، ش ۳، ص ۵۵).

● آمار طلاق ۲۹٪ و آمار ازدواج ۷٪ افزایش یافته است. (افق حوزه، ش ۳۰، سال ۸۲، ص ۱۶).

۴. اگر سنت مقدس و مبارک ازدواج دائم، قادر به حل همه مسائل و مشکلات جنسی جامعه بود، پدیده ازدواج موقت در اسلام تشریح نمی‌شد. اگر چه پاره‌ای از مذاهب اسلامی به مخالفت با این نوع پیوند شرعی شهرت دارند، اما اکنون عملاً به سوی آن می‌روند و فتواهایی جدید صادر می‌کنند. تاکنون فقط شیعیان به پیروی از اولیای معصوم خود از عقد موقت (متعہ) حمایت می‌کردند؛ اما اندک‌اندک سایر فرق اسلامی نیز تمایلاتی به این نوع عقد از خود نشان می‌دهند. بی‌گمان ارباب مذاهبی که به مخالفت با متعہ (ازدواج موقت) شهره هستند، اگر راه دیگری برای حل مسائل جامعه خود می‌یافتند، به این سو نمی‌آمدند و سابقه تاریخی خود را

● جمعیت دختران در سن ازدواج (در سال ۱۳۸۲)، ۷۹۰ هزار نفر بیش از پسران است و در شش سال گذشته بیش از یک میلیون و دویست هزار نفر از دسترسی به ازدواج محروم ماندند. (همان، ش ۳۷، ص ۶).

● از ۳ میلیون و ۳۰۰ هزار جوان در سن ازدواج، سالانه ۲ میلیون نفر موفق به ازدواج نمی‌شوند. (همان، ش ۱۹).

● سازمان ملی جوانان اعلام کرد: یک میلیون و ۲۵۰ هزار دختر ۲۰ تا ۲۹ ساله ایرانی، به احتمال قوی بدون همسر باقی خواهند ماند. بر اساس گزارش تحقیقی این سازمان، تعداد دختران ۲۰ تا ۲۹ ساله حدود ۶ میلیون، و تعداد پسران ۲۵ تا ۳۴ ساله، حدود ۴ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر است. با در نظر گرفتن این واقعیت که پسران به ازدواج با دختران در گروه سنی پایین‌تر تمایل بیشتری نشان می‌دهند، نتیجه گرفته می‌شود که یک میلیون و دویست و پنجاه هزار دختر شانس ازدواج نخواهند داشت و اگر به این ارقام،

در مخالفت با نکاح موقت، زیر سؤال نمی‌برند.

آنچه اکنون تحت عناوین جعلی و جدید - مانند «مسیار» - در جهان اهل سنت رایج شده است، همان عقد موقتی است که شیعیان به استناد قرآن^۱ و روایات،^۲ در قرون گذشته از آن دفاع می‌کردند و در عصر حاضر نیز بر آن پای می‌فشارند.

جوامع غیر دینی، برای حل مسائل گوناگون خود، بیشتر بر تجربه‌ها و رهیافتهای بشری تکیه دارند؛ اما جهان اسلام برای دستیابی به مدیریت صحیح و کارآمد اجتماع، گریزی از مراجعه به متون و نصوص کهن ندارد.

بدین رو، بر دانشمندان اسلامی است که بیش از پیش به سنتهای اصیل و مستند مراجعه کنند و درمان را در آنها بجویند. شاید همین مراجعات و امعان نظرها موجب گشته است که اکنون کمابیش شاهد فتواهایی هستند که از مفتیان اهل سنت صادر می‌شود و به نوعی ازدواج کوتاه مدت را تأیید می‌کنند. چندی پیش مجمع فقهی مکه

فتوا به جواز عقدی داد که اگر چه عنوان آن «مسیار» است، اما تفاوت چندانی با عقد موقت شیعی ندارد.^۳ افزون بر آن گاهی از ازدواجهای عرفی و رفاقتی نیز یاد می‌کنند که بیشتر مربوط به محیطهای غیر دینی یا لائیک است. به هر حال، هیچ جامعه‌ای بی‌نیاز از نوعی ازدواج زمانمند نیست؛ زیرا این واقعیت را باید پذیرفت که نیازهای انسان فراتر از تشکیل خانواده و تکثیر نسل است.

در پایان این بخش از گفتار، جا دارد سخن شهید مطهری را نیز در

۱. نساء/۲۴: ﴿لَمَّا آتَيْنَاكُمْ بِهِ مَنِهً فَاثْوَاهُ أُجُوزَهُنَّ قَرِيبَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيقَةِ﴾؛ «و زانی را که متعه [= ازدواج موقت] می‌کنید: واجب است مهر آنها را بپردازید. و گناهی بر شما نیست در آنچه بعد از تعیین مهر، با یکدیگر توافق کرده‌اید.»

۲. رك: فروع کافی، چاپ دار الکتب الاسلامیه، ج ۵، ص ۴۸۸؛ همان، ص ۴۹۹، ح ۳ و ۴ و ۶؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۳۳، ح ۸۵؛ همان، ج ۱، ص ۲۳۳، ح ۸۶؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۶۱، ح ۱۳؛ الدر المنثور، ج ۲، ص ۱۳۹ و ص ۱۴۱ و ۱۴۰؛ صحیح بخاری، طبع بیروت، ج ۷، ص ۱۶؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، دار الکتب العلمیه، ج ۱۲، ص ۱۲۱.

۳. رك: افق حوزه، ۱۳۸۵/۳/۸، ش ۱۱۰، ص ۲.

این باره بخوانیم:

«ازدواج مسوقت از آن جهت تشریح شده است که ازدواج دائم به تنهایی قادر نبوده است که در همه شرائط و احوال، احتیاجات بشر را رفع کند و انحصار به ازدواج دائم، مستلزم این بوده است که افراد یا به رهبانیت موقت مکلف گردند و یا در ورطه کمونیسم جنسی غرق شوند. بدیهی است که هیچ پسر یا دختری آنجا که برایش زمینه زناشویی دائمی همیشگی فراهم است، خود را با یک امر موقتی سرگرم نمی‌کند.»^۱

دلایل مخالفت با ازدواج موقت

دست کم می‌توان سه دلیل یا علت برای مخالفت‌های فردی و صنفی با پیوندهای موقت یافت:

۱. ناهمراهی جهان اهل سنت که اکثریت مسلمانان را تشکیل می‌دهند، با متعه، از عمده‌ترین دلایل تضعیف این حکم الهی است. همچنان که گاهی برخی از شیعیان فقط برای اثبات تشیع خود اقدام به چنین ازدواجی می‌کنند، پیروان دیگر فرق اسلامی نیز متقابلاً خود را موظف به مخالفت و مبارزه با

این مسئله می‌دانند. تبلیغات و بدگویی آنان کمابیش در عامه شیعیان نیز کارگر افتاده و آنان را به پرهیز از آن وادار نموده است.

۲. افراط و شیوه‌های نادرست در استفاده از این حکم دینی، سوءظن برخی را برانگیخته و در مجموع چهره‌ای منفی از آن تصویر کرده است. در گذشته و هم‌اکنون نیز گروهی از مردان و زنان بیشتر به انگیزه تنوع‌طلبی و هوسرانی سراغ این نوع ازدواج رفته‌اند. آزادیهای فراوان در ازدواج موقت و آسان‌گیری شرع در این موضوع، بسیاری را به زیاده‌روی در آن واداشته است؛ حال آنکه دست کم در روزگار ما نباید ازدواج موقت به ابزاری برای فرار از ازدواج دائم یا افراط در ارضای غرایز جنسی تبدیل شود.

برخلاف اینکه برخی گمان می‌کنند ازدواج کوتاه و موقت، نوعی ولنگاری در امور جنسی است، واقع‌بینانه‌تر آن است که این شیوه

۱. نظام حقوق زن در اسلام، ص ۴۸.

زناشویی را نوعی کنترل غرایز جنسی بدانیم؛ زیرا اگر چه اسلام در برقراری عقد موقت، کمابیش آسان‌گیری کرده است، اما به این وسیله محدودیت‌های بسیاری نیز پدید آورده است. آن‌گاه که زن و مردی به عقد دائم یا موقت یکدیگر درمی‌آیند، ناگزیر محدودیت‌هایی را نیز پذیرفته‌اند؛ مثلاً زن نمی‌تواند همزمان با چند مرد ارتباط داشته باشد و وقتی پیوند با مردی را پذیرفت، باید از ارتباط با مردان دیگر پرهیز کند.

بدین ترتیب، زنان مجرد و جویای نکاح، خطر کمتری را برای جامعه پدید می‌آورند. اما اگر آنان بخواهند از طریقی غیر از ازدواج شرعی موقت، غرایز خود را ارضاء کنند، آزادی‌هایی خواهند داشت که برای جامعه بسیار مضر است.

از سوی دیگر، وقتی که هر یک از زنان، خود را کاملاً و سراپا متعلق به یک مرد می‌دانست، مردان نیز امکان دسترسی به زنان متعدد نخواهند داشت. بنابراین، خودبه‌خود کنترل و انضباط بیشتری بر اجتماع حاکم

می‌شود.

۳. سیاست‌های غلط و فقدان زمینه‌های لازم، یکی دیگر از موانع گسترش پیوندهای زمانمند است که تنها به همت فرهنگ‌سازان و رسانه‌های همگانی قابل رفع می‌باشد. در جامعه شیعی ایران، بیشترین مخالفت با این سنت اسلامی، از سوی تشکلهای زنان و برخی روزنامه‌نگاران فعال در زمینه مسائل زنان و فمینیست‌های ایده‌آل‌گرا صورت گرفته است. آنان پیوند موقت را که فقط به منظور پاسخگویی به غرایز جنسی و گاه نیازهای مالی است، خلاف شأن و مکانت زن می‌دانند و از این رو، به شدت با هر گونه زمینه‌سازی در این جهت مخالفت می‌کنند.

دلایل و انگیزه‌های آنان گاهی منطقی نیز به نظر می‌رسد؛ اما گویا ایشان ولنگاریهای جنسی و بی‌مبالیهای شرعی را چندان خلاف شأن اجتماع نسالم نمی‌بینند و حساسیتی نسبت به آمیزش‌های حرام ندارند. آیا پدیده زشت زنان خیابانی یا بهره‌کشی جنسی از زنان در گوشه و

کنار شهر یا شیوع ایدز که چهارمین عامل مرگ و میر در میان انسانها شناخته شده است، از عقده‌های قانونی و ضابطه‌مند شرعی قابل تحمل‌تر است؟! ازدواج موقت، به مثابه یک ضرورت اجتماعی که در عین حال از حقوق زن و مرد به یکسان دفاع می‌کند، چه زبانی به مناعت و نجابت زن می‌رساند؟

مخالفان باید با خود بیندیشند که تن ندادن به این توصیه شرعی و منطقی که قادر به تأمین حقوق طرفین است، موجبات گردن نهادن به هزار نوع بزهکاری را فراهم می‌کند که یقیناً خواسته هیچ کس نیست. وقتی که نباید و نمی‌توان غرایز طبیعی و نیرومند انسان را انکار کرد و هنگامی که فحشا را خطرناک‌ترین و نیرومندترین دشمن جوانان می‌دانیم، چاره‌ای جز گشودن راههای شرعی و سالم نداریم و گر نه، آن خواهد شد که اکنون شده است و بسا که وضعی هولناک‌تر در پیش است.

این گروه‌ها پیش از هر گونه مخالفت با چنین راهی که سراپا

قانونمند و با پشتوانه‌های شرعی است، باید پیشنهادهای جایگزین خود را طرح و از عملی بودن آن دفاع کنند. آنان بیشتر از دیگران می‌دانند که برای حل چنین معضل خانمان‌سوزی نمی‌توان بیش از این دست روی دست گذاشت و چاره‌ای نیندیشید. از سوی دیگر، همین گروه‌ها بیش از دیگر تشکلهای رسمی کشور قادر به زمینه‌سازی و حل روشمند این مشکل‌اند.

افزون بر اشکالات فوق، نقدهای دیگری نیز بر عقد منقطع وارد ساخته‌اند که استاد شهید مرتضی مطهری به تفصیل و هوشمندانه در کتاب «نظام حقوق زن در اسلام» درباره آنها سخن گفته است. مهم‌ترین پاسخ شهید مطهری آن است که تمام نقدها در صورتی بر عقد موقت وارد است که بخواهیم آن را جانشین ازدواج دائم کنیم؛ حال آنکه اکنون باید به این سنت دینی به چشم راه‌حلی برای درمان نارساییهای جنسی در جامعه نگریست، نه وسیله‌ای برای ارضای زیاده‌خواهی مردان و

هوسرانی تنوع طلبان.

۳. ایجاد شغلی جدید در میان

زنان مجرد و بی سرپرست؛

۴. اثبات شیعه بودن. گفتنی است که شیعیان برای اثبات تشیع خود راههای بسیاری دارند که متعه یکی از دورترین آنهاست.

اگر چه برخی از این اصل دینی، گاه استفاده‌های تنوع طلبانه می‌کنند، اما دست کم در زمان ما نباید چنین دریافتی از این نوع پیوند داشت. آنچه زمانه ما را محتاج انواع عقدهای شرعی می‌کند، ضروریاتی است که همچون زخم بر پیکر جامعه دینی نشسته است و ظاهراً راه دیگری برای درمان آنها نیست. اینکه برخی از مردان و زنان نتوانسته‌اند از این سنت شرعی درست و به‌جا استفاده کنند، نباید موجب مخالفت با اصل و اساس آن شود.

تا نباشد راست کی باشد دروغ

آن دروغ از راست می‌گیرد فروغ

چنان‌که گفتیم، ازدواج دائم در پاسخگویی به همه نیازهای جنسی

نیز می‌افزایند که این نوع زناشویی، به هیچ وجه تحقیر زن را در پی ندارد؛ بلکه آنچه اکنون در استفاده ابزاری از زنان رایج شده است، موجبات تحقیر و ناارجمندی زن را فراهم آورده است. وی بر این باور است که زناشویی کوتاه‌مدت، ضرورتی است که نمی‌توان به هیچ بهانه‌ای از آن صرف نظر کرد و باب آن را به روی آحاد جامعه بست.^۱

سخن آخر

ازدواج موقت را باید به مثابه یک ضرورت اجتماعی نگریست و نخست زمینه‌های ذهنی و فرهنگی آن را فراهم آورد. نگاه‌های غلط و بی‌منا به این راهکار شرعی نیز باید تعدیل و اصلاح شود. برخی از تفسیرهای نادرست از این سنت راهگشا عبارت‌اند از:

۱. ارضای تنوع‌طلبی مردان و گشودن راه استفاده ابزاری از زنان که نوعی استثمار جنسی از آنان است؛
۲. گسترش تفریحات و افزایش

رفاه متمولان؛

۱. همان، ص ۴۷ به بعد.

بالا چنین برمی آید که باید به سوی راهکاری دیگر نیز رفت که به حتم یکی از موجه‌ترین آنها عقد موقت است؛ به‌ویژه آنکه در متون دینی و روایات معصومان علیهم‌السلام همواره بر آن تأکید و سفارش شده است. ناگفته نماند که پیش از هر اقدامی، لازم است آسیب‌شناسی جدی و عمیقی صورت گیرد تا اقدامات احتمالی به نقض غرض نینجامد. همچنین ضروری است همه رسانه‌ها و شخصیت‌های مؤثر دینی در گسترش این نوع پیوند بکوشند و جو مناسبی را برای طرح جامع ساماندهی جنسی در جامعه پدید آورند.

توجه

بحث از ازدواج موقت توسط مبلغان گرامی در میان مردم باید متناسب با شرایط، نیازها و ظرفیتهای محل تبلیغ انجام شود. و به نظر می‌رسد از مسائل بسیار مهمی است که در فرهنگ سازی جهت اصلاح آسیبهای موجود ضروری است.

مهم‌ترین پاسخ شهید مطهری آن است که تمام نقدها در صورتی بر عقد موقت وارد است که بخواهیم آن را جانشین ازدواج دائم کنیم؛ حال آنکه اکنون باید به این سنت دینی به چشم راه‌حلی برای درمان نارساییهای جنسی در جامعه نگریست، نه وسیله‌ای برای ارضای زیاده‌خواهی مردان و هوسرانی تنوع‌طلبان

جامعه با چنان مشکلات و موانعی روبه‌رو است که دیگر نمی‌توان آن را تنها راه موجود تلقی کرد؛ اگر چه بهترین راه است. همچنین از مقدمات